

تحلیل نقش زمان و مکان در جواز و عدم جواز تعدد زوجات از منظر آیات و روایات

رضا عسگری*

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۷

محمود قیوم زاده خالقی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۹

عباسعلی حیدری***

چکیده

پیشرفت مادی بشر و تحولات بنیادی که در نظام اجتماعی بشر روی داده، این ضرورت را ایجاد می‌کند که تحولات و توسعه به مقتضای زمان و مکان در ترازوی فرهنگ صحیح قرار گیرد. به عبارت دیگر؛ هم در روابط انسان با طبیعت و هم در مناسبات اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر تحولاتی بنیادی ایجاد شده است. از جمله مواردی که در حیطه حقوق خانواده، توجه و عنایت ویژه‌ای به شرایط و اوضاع و احوال پیرامون آن در احکام اسلامی شده، بحث تعدد زوجات است. به موجب این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی نقش زمان و مکان در جواز و عدم جواز تعدد زوجات از منظر آیات و روایات صورت گرفته، این نتیجه قابل بیان است که؛ در وضع احکام شرعی، لازم است مقتضیات زمان و مکان، مصالح، مفاسد و منافع افراد جامعه مد نظر قرار گیرد. تأثیر زمان و مکان در اجتهاد در راستای تغییر موضوعات احکام اجتماعی اسلام است و اگر در اثر شرایط و مصلحت، تغییراتی در موضوعات احکام از جمله تعدد زوجات ایجاد شد، احکام آن قهراً عوض می‌شود.

کلیدواژگان: زمان، مکان، ازدواج، احکام، آیات.

* دانشجوی دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین.

mahnazmosivand@gmail.com

maarefteacher@yahoo.com

Aa_heidari@iau_arak.ac.ir

** استاد تمام، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

*** استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

نویسنده مسئول: محمود قیوم زاده خالقی

مقدمه

با توجه به اینکه یکی از دلایل استنباط احکام عقل می‌باشد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که مصلحت جزء مبانی احکام است، که از دلیل عقل و حجیت عقل به دست می‌آید و می‌تواند از این جهت در زمره تئوری‌های حقوقی محسوب گردد. حکومت اسلامی در شرایط جدید و نیازمندی‌های جدید می‌تواند با توجه به اصول و مبانی اساسی اسلامی، یک سلسله مقرراتی وضع نماید که در گذشته موضوعاً منتفی بوده است. تحول شیوه‌های زندگی و اوضاع اجتماعی بر حسب پیشرفت زمان، از جمله عواملی است که در حیطه احکام فقهی و نیز قوانین، قابل ملاحظه و مؤثر است. به عبارتی دیگر، زمان و مکان دو عامل مؤثر در تغییر و تحول احکام و قوانین می‌باشند. خانواده به عنوان واحدی از اجتماع در جریان تحولات زمانه قرار دارد، بنابراین می‌طلبد که برخی از احکام آن که در جهت حمایت از خانواده پیش‌بینی شده است، با رویکرد به عنصر مصلحت که از فروعات حکم عقل می‌باشد، تغییر یابد. در پاره‌ای از احکام شریعت اسلام، توجه و عنایت ویژه‌ای به شرایط و اوضاع و احوال پیرامون یک حکم شده است، چیزی که در بحث ازدواج مجدد (تعدد زوجات) نیز به وضوح قابل مشاهده است. با این تفاسیر؛ این مسأله قابل طرح است که؛ از منظر آیات و روایات زمان و مکان چه نقش و آثاری در محدودیت یا توسعه احکام فقهی - حقوقی تعدد زوجات دارد؟ در مقام بررسی و تبیین مسأله مذکور، محقق بر آن است در این مقاله پس از تبیین پیشینه تحقیق، مفهوم مقتضیات زمان و عنصر مصلحت و مختصری در خصوص مبانی فقهی و نیز جایگاه و کاربرد مصلحت در تبیین احکام فقهی، محدودیت یا توسعه احکام فقهی حقوقی تعدد زوجات را بر مبنای احکام فقیه جامع الشرایط، در قالب شرط ضمن عقد و بر مبنای عنصر مصلحت اجتماع مورد بحث و تحلیل قرار دهد.

پیشینه بحث

با مذاقه در سوابق و پیشینه این مقاله می‌توان اذعان نمود؛ تا کنون تحقیق و پژوهشی از منظر آیات و روایات نقش زمان و مکان در جواز یا عدم جواز ازدواج مجدد

انجام نشده است اگرچه آثاری در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله تألیف و تدوین شده که تا حدودی با این تحقیق قرابت موضوعی دارند و به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

زهره سلطانی دهنوی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی تعدد زوجات» این مطلب را بیان نموده که؛ جواز حکم تعدد زوجات، مشروط به رعایت عدالت، وجود ضرورت و مصلحت، و عدم مفسده و دخالت قانونگذار در نظارت بر این مسأله، از جمله نتایج کسانی است که بدور از تعصب و جانبداری متحجرانه از جواز یا عدم جواز این مسأله در پی حل معضلات مربوط به خانواده می‌باشند.

منیره زارع (۱۳۷۴) در طرح پژوهشی با عنوان «بررسی نقش تعدد زوجات بر نظام خانواده در شهرستان خاش»، بر اساس نتایج این کار میزان هرچند مردانی که دارای زنان متعدد هستند خود را عادل می‌نامند و این امر را اجرای دستورات سالمی دانسته و منکر تأثیر منفی بر خانواده هستند اما نظر زنان به عدم عدالت مردان و تأثیر منفی این امر بر نظام خانواده اعتقاد دارند.

مرضیه زکی‌زاده (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی احکام و آثار تعدد زوجات در حقوق ایران، مصر و لبنان»، ضمن ارائه گزارش تاریخی از سابقه تعدد زوجات در جوامع مختلف و مشروعیت این تأسیس حقوقی و نشان داده اصل مشروعیت تعدد زوجات تا چهار زن از اصول مسلم اسلامی است.

بتول سلحشور (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «تعدد زوجات در فقه و خلأهای آن در قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱» بیان داشته؛ بررسی نواقص و ابهامات قانون حمایت از خانواده در زمینه شرایط جواز تعدد، از جمله محدود کردن تعدد زوجات به دو همسر، اجمال در زمینه تعدد همسر موقت، بی‌عنایتی به شرط مهم عدالت، تسامح نسبت به شرط عدم ازدواج مجدد و اهمال در زمینه ضمانت اجرای تخلف از شرایط جواز تعدد زوجات، بخش‌ها و محورهای اساسی پژوهش را تشکیل داده‌اند.

معنا و مفهوم مقتضیات زمان

لغت «مقتضیات» جمع «مقتضی» و از حیث قواعد عربی اسم فاعل به معنای تقاضا کننده است. / ابن فارس لغت «قضی» را اینگونه معنا می‌کند: ترکیب حروف قاف، ضاد و

حرف عله یاء، اصلی صحیح و ثابت در لغت عربی است که دلالت بر احکام، ایتقان و صلابت یک امر می‌کند و به قاضی به سبب صلابت در حکم و اجرای آن، «قاضی» می‌گویند (معجم، ۲۰۰۵: ۸۹۳). اصطلاح «مقتضیات زمان» را می‌توان با توجه به اصل لغوی ماده «قاضی» اینگونه تعریف نمود: «تقاضای جدی زمان که بر حسب عوامل مختلف مطرح می‌شود و اجرای آن را ضروری می‌سازد».

در اصطلاح، مقتضیات زمان به معنای مقتضیات محیط، زندگی و اجتماع است. در توضیح اصطلاحی مقتضیات زمان باید گفت؛ وابستگی و تعلق بشر به نیازهای مادی و معنوی، تغییر دائمی عوامل و مسائل رفع کننده این نیازها و کامل تر و بهتر شدن دائمی آن‌ها که خود نیز یک سلسله نیازهای جدید به وجود می‌آورند، سبب می‌شود که مقتضیات محیط، اجتماع و زندگی در هر عصر و زمانی تغییر کند و انسان به ناچار خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد.

برخی صاحب‌نظران در باب روح شریعت اسلامی، مبانی هماهنگی شریعت با شرایط نوین را بر می‌شمارند و با آنکه بر عصمت و ثبات احکام قرآن و سنت نبوی تأکید می‌ورزند ولی اصرار دارند که این مطالب با دگرگونی و تغییر شرایط در حیات بشری منافاتی ندارد؛ چه، از بررسی شریعت الهی دو حقیقت اساسی روشن می‌شود، نخست آنکه دین تنها دربردارنده قواعد و احکام کلی و اساسی و نیز نمونه‌هایی از تطبیق آن قواعد و احکام کلی بر وقایع جزئی است و دوم آنکه سکوت شارع از بیان و تشریح بسیاری از فروع احکام، قانونی معنادار و جهت حفظ سازگاری میان انسان و شرایط زمانی و مکانی است (صبحی صالح، ۱۹۸۲: ۵۷).

جایگاه و نقش زمان و مکان در تبیین احکام فقهی

بر خلاف فقه عامه، در فقه شیعه زمان و مکان به عنوان اساس احکام کلی الهی مورد بحث قرار نگرفته است و در نتیجه، فقهای شیعه بحث و بررسی کامل درباره مفهوم و ماهیت زمان و مکان را لازم ندانسته و راجع به نحوه تشخیص آن و ضوابط مربوط به آن، هیچ گونه بحث مستقلی مطرح نشده است؛ بلکه این قضیه بر عهده عرف و عقلا گذاشته شده است و صرفاً در مصادیقی مانند تزاحم، اهم و مهم، احکام حکومتی و نیز مسأله

ولایت و سرپرستی، عنصر مقتضیات زمان و مکان و مصلحت را مورد استفاده قرار داده‌اند. با این وجود، در تبیین جایگاه و کاربرد عنصر زمان و مکان در احکام فقهی، طی بندهایی مجرا؛ برخی آیات دال بر زمان و مکان، برخی روایات مرتبط با زمان و مکان و توأم بودن حکم با زمان و مکان در فقه، بررسی می‌گردد.

آیات دال بر نقش زمان و مکان

در خصوص دلالت آیات بر اصل تبعیت احکام از مقتضیات زمان و مکان و نیز مصالح و مفاسد، موارد بسیاری قابل اشاره است که از جمله این آیات، آیه ۵۷ و ۵۸ سوره مبارکه یونس است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۗ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾

در این آیات از جهات مختلفی می‌توان دلالت بر مقتضیات زمان و مکان را ملاحظه نمود. از جمله اینکه؛ موعظه به عنوان وسیله‌ای مؤثر جهت پی بردن مردم به مقتضیات زمان و مکان و نیز مصالح و مفاسد زندگی خویش می‌باشد تا با راهنمایی به کارهای خیر و نیک توجه و از کارهای فاسد و خلاف اجتناب نمایند. از طرفی دیگر، به تعبیر این آیه؛ قرآن و عمل نمودن به دستورهای آن از موجبات شفای بیماری‌های درونی است. بنابراین، وارستگی از بیماری‌های درونی، موهبت و مصلحت بزرگی است که از طریق قرآن نصیب مردم می‌شود. همچنین توصیف قرآن به هدایت و رحمت، عین مصلحت است و خوشحالی مردم از هدایت به فضل و رحمت خدا که در انتهای آیه بیان گردیده، بدون شک به جهت مصلحت و نفعی است که مردم به آن می‌رسند و این مانند تبریگی است که هنگام حصول موفقیت به انسان می‌گویند (صانعی، ۱۳۷۴: ۸).

روایات مرتبط با مقتضیات زمان و مکان

در خصوص روایات مرتبط با مقتضیات زمان و مکان نیز می‌توان اظهار داشت، روایات بسیاری در این حیطه بیان گردیده که جهت پرهیز از اطاله کلام، به عنوان نمونه روایتی از امام رضا(ع) در این رابطه بیان خواهد شد. محمد بن سنان طی نامه‌ای به امام رضا(ع)

بیان داشته بود: «عده‌ای گمان کرده‌اند که اوامر و نواهی الهی جز برای امتحان بندگان نیست و متعلق آن‌ها دیگر، ملاکی ندارد». حضرت در پاسخ فرمودند: «بعضی از مسلمانان گمان می‌کنند که خداوند تبارک و تعالی چیزی را که حلال و یا حرام کرده است، فقط به این دلیل بوده که مردم را به تعبّد وادار کند. کسی که چنین بگوید، گمراه گشته گمراهی بسیار دور، و زیان کرده است زبانی آشکار. اگر چنین بوده باشد نیز جایز بود که خداوند بندگان را در تحلیل محرمات و تحریم محللات به تعبّد وادار؛ به این صورت که به آن‌ها دستور دهد نماز و روزه و کارهای خیر را ترک کنند و خدا و پیامبران و انزال کتب را منکر گردند و نیز زنا، سرقت و حرمت محارم و شبیه این‌ها از کارهایی که در آن‌ها فساد و فناء مردم را به دنبال دارد، منکر شوند؛ چراکه علت تحلیل و تحریم، صرف تعبّد است و آن در این صورت نیز حاصل می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۳/۶).

با مذاقه در روایت مذکور می‌توان گفت؛ استدلال / امام رضا(ع) در این رابطه به صورت استدلال عقلی اقامه گردیده و بحث ایشان تبعیدی نیست. زیرا بیان داشته‌اند؛ اگر در متعلق احکام شرعی ملاکی وجود نداشت، نظام تشریح بی معنی جلوه می‌نمود زیرا ممکن بود هر قبیحی، مورد امر و امور حسن و نیکو، مورد نهی قرار گیرد.

توأم بودن حکم با مقتضیات زمان و مکان در فقه

با توجه به آیات و روایات مطرح شده در خصوص مصلحت احکام، می‌توان اذعان داشت؛ از منظر شیعه، دین اسلام حکمی را به صورت تعبّد محض بیان نداشته است. فلذا بدون در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان و نیز مصلحت یا مفسده‌ای، دستوری وضع نشده است. همانطور که برخی اندیشمندان بیان داشته‌اند؛ «قوانین اسلامی به اصطلاح امروز در عین اینکه آسمانی است، زمینی است؛ یعنی بر اساس مقتضیات زمان و مکان، مصالح و مفساد موجود در زندگی بشر است؛ بدین معنی که جنبه مرموز و صد در صد مخفی و رمزی ندارد که بگوید حکم خدا به این حرف‌ها بستگی ندارد؛ خدا قانونی وضع کرده و خودش از رمز آن آگاه است. نه، اسلام اساساً خودش بیان می‌کند که من هرچه قانون وضع کرده‌ام، بر اساس همین مصالحی است که یا به جسم شما مربوط است یا به روح شما، به اخلاق شما، به روابط اجتماعی شما، به همین مسائل مربوط

است؛ یعنی یک امور به اصطلاح مرموزی که عقل بشر هیچ به آن راه نداشته باشد، نیست» (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۷).

محدودیت یا توسعه احکام فقهی حقوقی تعدد زوجات بر مبنای احکام فقیه

هدف اصلی اسلام در امر ازدواج، گسترش فرهنگ ازدواج سالم و تشکیل خانواده‌هایی پایدار و استوار است که باعث تعالی جامعه اسلامی می‌شود اما احکام اسلام برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها است، و جامعیت آن اقتضا می‌کند احکام آن در تمام شرایط کارآمد باشد پس در صورتی که به هر علتی مثل جنگ، تعداد زنان از مردان فزونی قابل توجهی پیدا کرد و تعدادی از زنان بی همسر باقی ماندند برای تعالی جامعه حکم ازدواج با یک زن جوابگوی مشکلات نخواهد بود و تنها تعدد زوجات است که جامعه را از انحطاط و رشد ببیند و باری نجات می‌دهد.

به مجتهد و فقیه‌ای که علاوه بر بعد فقهت و تسلط بر علوم مذکور، حائز شرایط دیگری مانند عدالت، مدیریت، آشنایی به وضعیت جهان اسلام و تقوا باشد، فقیه جامع شرایط می‌گویند (شب‌خیز، ۱۳۹۲: ۳۴) که ولایت ایشان، تشریحی دارد نه ولایت بر تشریح، یعنی حق قانونگذاری ندارد ولی او ولایت دارد که شریعت را بفهمد و آن را تبیین، حمایت و اجرا کند. ولایت او در محدوده شریعت است. حضرت امام خمینی (ره) معتقدند: «اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۴۰).

محدودیت یا توسعه احکام فقهی حقوقی تعدد زوجات در قالب شرط ضمن عقد

فقها در خصوص اعتبار شرط ترک ازدواج مجدد، اختلاف نظر دارند به طوری که برخی آن را باطل دانسته و برخی عقیده بر صحت آن دارند. با این اوصاف، می‌توان گفت؛ به صورت کلی در رابطه با شرط عدم ازدواج مجدد دو نظریه کلی مبنی بر بطلان و صحت این شرط وجود دارد، گروهی از فقیهان، این شرط را باطل می‌دانند و برخی دیگر، قائل‌اند که این شرط صحیح و الزام‌آور است.

۱. نظریه بطلان شرط عدم ازدواج مجدد

اکثر فقیهان شرط عدم ازدواج مجدد را باطل می‌دانند و برای اثبات نظر خود به دلایلی از جمله عدم موافقت با شرع استناد کرده‌اند. از جمله دلایلی که قائلین بر بطلان شرط عدم ازدواج مجدد، مطرح کرده‌اند، مخالفت با کتاب است. چنانکه علامه حلی از قول ابن حمزه بیان داشته است: «الشرط الذی لا یقتضیه العقد أو یخالف الکتاب والسنة بطل الشرط دون العقد وهی تسعة: اشتراطها علیه أن لا یتزوج علیها فی حیاتها أو بعد وفاتها» (علامه حلی، ۱۳۲۴: ۵۴۵)؛ یعنی، شرطی که موافق مقتضای عقد نباشد یا مخالف کتاب و سنت باشد، باطل است ولی مبطل عقد نیست و چنین شروطی نه قسم است: یکی از آن‌ها این است که زنی بر شوهر خود شرط کند که تا زنده است حتی بعد از فوت او، شوهر ازدواج مجدد ننماید. چنانکه محقق حلی در ذیل احکام ازدواج آورده است: «إذا شرط فی العقد ما یخالف المشروع، مثل أن لا یتزوج علیها... بطل الشرط وصحّ العقد» (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۵۵۱)؛ یعنی، اگر امری که غیر مشروع است در ضمن عقد ازدواج مورد تعهد قرار گیرد، مانند شرط عدم ازدواج مجدد، این شرط باطل است. از تحلیل نظرات یاد شده مبنی بر بطلان شرط عدم ازدواج مجدد، چنین استنباط می‌شود که این شرط را، تعهدی مخالف کتاب قلمداد نموده‌اند و مهم‌ترین مستند این گروه از فقیهان در این مورد آیه ۳ سوره مبارکه نساء است:

﴿وَأَنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آذِنُ اللَّاتِعُولُوا﴾

یعنی از آن زنانی که برای شما حلال و شایسته است، دو یا سه زن تا چهار زن می‌توانید اختیار نمایید. بر این اساس، تعدد زوجات و به تعبیری ازدواج مجدد، به عنوان یک حکم الهی مندرج در کتاب پذیرفته شده است (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۳۳).

برخی فقیهان امامیه شرط عدم ازدواج مجدد را مخالف با کتاب و مشمول مستثنای «المسلمون عند شروطهم أَلَّا كَلَّ شَرَطَ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۰۰/۱۳) و «المؤمنون عند شروطهم أَلَّا شَرَطاً حَرِّمَ حَلَالاً أَوْ أَحَلَّ حَرَاماً» دانسته و آن را باطل می‌دانند. با توجه به عبارت «فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث ورباع» مرد می‌تواند تا چهار زن اختیار کند و بنابراین، شرط خودداری از ازدواج مجدد خلاف

کتاب است (آل کاشف الغطاء، ۱۳۷۶: ۷۶). در پاسخ به این اشکال گفته شده است که گرچه ازدواج مجدد امری مباح بوده و خودداری از آن مخالف با کتاب نیست اما التزام به ترک آن مستلزم تحریم حلال خواهد بود (انصاری، ۱۳۷۵: ۱۶۷). پاسخ مزبور صحیح به نظر نمی‌رسد. چه آنکه التزام به ترک مباح گاهی اوقات به ترک مصداقی از آن و یا به ترک آن به صورت مطلق و در برهه‌ای از زمان است که این امر هیچ اشکالی نداشته و مخالف با کتاب نخواهد بود. اما در صورتی که التزام به ترک مباح به صورت نوعی و برای همیشه باشد، مستلزم تحریم حلال خواهد بود (خوانساری، ۱۳۸۵: ۱۰۵ و حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۹۹/۶۷). بنابراین، التزام به ترک مباح در صورتی مستلزم تحریم حلال خواهد بود که دو شرط محقق باشد: ۱- مشروط، ترک نوع مباح باشد نه یکی از مصداق آن و به طور جزئی ۲- شرط ترک، دائمی باشد نه موقت. در نتیجه، اگر مورد اشتراط ترک یکی از موارد مباح باشد حتی به طور دائمی اشکالی ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱: ۳۲/۳). در روایت نیز آمده است سوگند به ترک شرب آب میوه برای همیشه به دلیل ملازمه داشتن با تحریم حلال، باطل است (خوانساری، ۱۳۸۵: ۱۰۵). شایان ذکر است که برخی فقیهان التزام به ترک مباح را حتی برای همیشه جایز می‌دانند (نراقی، ۱۴۰۷: ۳۹).

شایان ذکر است فقیهانی که شرط عدم ازدواج مجدد را باطل می‌دانند، در خصوص این که آیا بطلان شرط مزبور موجب بطلان عقد نکاح نیز می‌شود یا خیر، اختلاف نظر دارند. اکثریت این دسته از فقیهان آن را موجب بطلان عقد نمی‌دانند (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۲۹۷ و خوانساری، ۱۳۶۴: ۹۸/۴). برخی از این گروه فقیهان با اینکه بطلان شرط را در سایر عقود موجب بطلان عقد می‌دانند؛ اما در خصوص عقد نکاح بطلان شرط را به دلیل اجماع موجب بطلان عقد نمی‌دانند (میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۱۸/۳-۱۹).

در مقابل، برخی فقیهان، هم شرط را باطل می‌دانند و هم عقد را. یکی از فقیهان (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۵۶/۶۷-۵۷) دو دلیل برای تقویت این احتمال اقامه کرده و به هر دو دلیل اشکال وارد کرده و در نهایت، آن را رد کرده است. از جمله اینکه؛ عقد نکاح، مشروط به شرط شده است و شرط چیزی است که از وجود آن وجود مشروط لازم نمی‌آید ولی از عدم آن عدم مشروط لازم می‌آید. وقتی شرط منتفی شد مشروط

نیز منتفی می‌شود چنانکه انتفای وضو موجب منتفی شدن نماز می‌شود. همچنین قصد زوجه به نکاح مقید به شرط تعلق گرفته است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۶۷/۵۸-۶۷).
در نقد نظریه بطلان شرط عدم ازدواج مجدد می‌توان گفت؛ استدلال به کتاب برای باطل بودن شرط عدم ازدواج مجدد درست نیست؛ زیرا تنها مدرک قائلین به بطلان از کتاب، همین آیه است که استناد به آن از دو جهت قابل انتقاد است: اولاً، اصل، تک همسری است و تعدد زوجات استثناست (حکیم پور، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

۲. نظریه صحت شرط عدم ازدواج مجدد

برخی فقیهان امامیه شرط عدم ازدواج مجدد را صحیح می‌دانند و جهت اثبات عقیده خود، عمومات و روایات خاصی را مورد استناد قرار داده‌اند، یعنی عده‌ای از فقیهان، با استناد به برخی ادله، شرط عدم ازدواج مجدد را صحیح و معتبر اعلام کرده‌اند.
محقق نراقی صاحب «عوائد الایام» معتقد است: «شرط عدم ازدواج مجدد به هیچ عنوان نامشروع نیست، بلکه آنچه نامشروع تلقی می‌گردد، شرط عدم اباحه ازدواج مجدد است، زیرا آیه ﴿فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع﴾ دلالت بر اباحه و جواز ازدواج مجدد دارد. در نتیجه، تنها شرط عدم اباحه، مغایر و بر خلاف این آیه است و زنا مشروع و غیر معتبر می‌باشد». برخی از فقیهان معاصر در مورد صحت چنین شرطی قائل‌اند: «شرط عدم ازدواج خواه در ضمن عقد نکاح یا غیر آن جایز و معتبر است و زوج ملزم به رعایت شرط است ولی اگر خلاف آن عمل کرد و ازدواج مجدد نمود، صحیح است» (خویی، ۱۴۱۰: ۲۸۱).

صاحب کتاب «فقه الصادق» که از قائلین به صحت است، بیان داشته است: «شرط عدم ازدواج مجدد صحیح است و هم‌چنین اگر شرط کند که او را طلاق ندهد، ولی اگر ازدواج مجدد کند یا او را طلاق دهد، عمل او معتبر است، اگرچه عصیان مرتکب شده است» (روحانی، ۱۳۷۰: ۲۲/۲۰۰).

امام خمینی در مقام استدلال با تأکید بر اینکه اشتراط ترک محلات و مباحات و مستحبات و مکروهات با شرع مخالفتی ندارد، پس از نقد کلام شیخ انصاری در خصوص چنین شرطی، تصریح داشته است: «... شرط ترک ازدواج مجدد و مانند آن، بر زوج جایز

است و با شرع مخالفی ندارد و روایت منصور بن یونس برزج شاهد بر این مدعاست» (موسوی، ۱۳۶۳: ۱۷۰/۵).

لازم به ذکر است، برخی از فقیهان، در خصوص جمع میان دو دسته روایات صحت و بطلان قائل‌اند: روایاتی که از آن بطلان استفاده شده به موردی محدود است که با شرط ترک ازدواج مجدد، اصولاً حق ازدواج مجدد از زوج گرفته شود و روایات دال بر صحت، مربوط به موردی است که زوج با حفظ حق ازدواج مجدد، تعهد بر ترک آن را داده است (طباطبایی یزدی، ۱۳۴۲: ۱۱۰).

در شرایط کنونی، در تحلیل مفهوم ازدواج مجدد، در جهت استواری روابط خانوادگی، که هدف قانونگذار نیز است باید به اراده زن هم به عنوان یکی از ارکان مهم و اصلی این رابطه اهمیت داد. حسن معاشرت و تشیید مبانی خانواده مندرج در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی ماده ۱۱۰۳ «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» را باید با توجه به شرایط و مقتضیات زمان تفسیر و تحلیل کرد.

از طرفی، شرط عدم ازدواج، تداوم خانواده را پایدار می‌کند و چه بسا در بعضی موارد از خودسری‌ها و هوس‌جویی‌های شوهر کاسته و کانون خانواده را از خطر پاشیدگی مصون می‌دارد (علامه، ۱۳۷۵: ۱۱۴).

از نظر نگارندگان نیز باید چنین شرطی را صحیح دانست. چه آنکه به موجب ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند. مقتضای عقد نکاح به هیچ وجه تعدد زوجات نمی‌باشد. از طرفی، شرط مزبور جزء هیچ یک از شروط باطل سه گانه مندرج در ماده ۲۳۲ قانون مدنی نیست. البته، از آنجا که معلوم نیست زوجه تا چند سال زنده است که زوج در آن مدت ازدواج نکند، شرط مزبور مجهول است ولی این جهالت با توجه به اینکه موجب جهل به عوضین نمی‌شود، به اعتبار آن آسیبی وارد نمی‌سازد. چه آنکه معلوم بودن (به علم تفصیلی) از شرایط صحت شرط به شمار نمی‌رود.

نقش زمان و مکان در محدودیت یا توسعه احکام فقهی حقوقی تعدد زوجات

در دین مبین اسلام روابط جمعی انسان‌ها و جنبه‌های جمعی زندگی آن‌ها از ابعاد مختلف مورد توجه است و این توجه به نظام جمعی هم در تفکر سیاسی بین الملل اسلام حاکم است. که پیروان ادیان را به مسأله‌ای مشترک و یکسان دعوت کرده تا همه به یک کلمه واحد برسند:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا

يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا...﴾ (آل عمران / ۶۴)

و هم در بین امت اسلام حاکم است (آل عمران / ۱۰۳).

در خصوص بکارگیری اصل مزبور در نظام خانواده باید گفت با عنایت به جایگاه خانواده به عنوان طبیعی‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی، مهم‌ترین سند دین شناسی، قرآن کریم اصل ورود خیرات و برکات را بر این کانون بی بدیل، رعایت مصالح عام نسبت به مصالح فردی می‌شمارد تا در پرتو آن تحکیم بنیان خانواده محقق شود. لذا صریحاً در آیه ۱۹ سوره مبارکه نساء می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَفْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا

آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ

تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾

اشاره به اینکه تأمل و توجه به راهکارهای اصولی در بعضی ناخوشایندی‌ها در زندگی مشترک موجب سرازیر شدن خیرات و عنایات پروردگار است که لازمه آن چشم‌پوشی زن و مرد از منافع و مصالح شخصی است لذا کارگردان هستی که خود مظهر عدل و رحمت و حکمت است، از خلیفه خود می‌خواهد که این وظیفه را به شکلی صحیح در زندگی خود پیاده کند. با این شیوه و مغفول ماندن خودسری‌ها و هوسرانی‌های شخصی، مصلحت خانواده و حفظ تحکیم بنیان آن را بر مصالح خود ترجیح داده و به آنچه مقصد شریعت است رهنمون خواهد شد. اصولی همچون اصل معروف، اصل امنیت و محبت و مودت، اصل تراضی و مشورت، اصل کرامت و قواعد لاضرر، لاجرح، ولایت حاکم بر ممتنع و تسهیل... همگی از جمله اصول و قواعد منتج و یا در همپوشانی با اصل کلان مصلحت در نظام خانواده است که چراغ روشنگر و راهگشای اعضای خانواده در چشم

پوشی از مصالح شخصی در موازنه با مصالح جمع خانواده‌اند. اما در خصوص حقوق خانواده این بحث مغفول عنه قانونگذار بوده است، لذا ضروری است با توجه به مصالح خانواده این کلان اصل را با رعایت ضوابط یاد شده بر فروع مسائل خانواده تطبیق نموده و به تدوین و اصلاح قوانین اقدام نماید، اشاره قانونگذار در مواردی به رعایت مصلحت، در واقع مصلحت جمعی نبوده و صرفاً مصلحت موردی را در نظر داشته است. قانون مدنی به تبعیت از فقه امامیه رعایت مصلحت مولی علیه را در تمام اصلاحیه‌های ماده ۱۰۴۱، لحاظ کرده است. سال ۱۳۷۹ در مجلس شورای اسلامی تلاشی برای تغییر ماده ۱۰۴۱ صورت گرفت اما در شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده شد.

۱.۱. اباحه مطلق

این رأی مشهورترین رأی فقها به شمار می‌رود، چنانکه در کتب فقهی بیش‌تر از تحدید عددی (نجفی، ۱۴۱۰: ۲/۳۰) و مسائل مربوط به آن سخن گفته شده و اصل تعدد زوجات امری مسلم انگاشته شده است (حلی، ۱۴۱۱: ۵۳۸ و جبعی عاملی، ۱۴۱۶: ۳۴۷). در این میان برخی حکم استحباب ازدواج را به تعدد سرایت داده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۷۹۶) و برخی دیگر تک همسری را اولی و مستحب می‌دانند.

قائلین این نظر، در تبیین دیدگاه خویش آن‌ها امری مسلم دانسته‌اند و عللی چون عقیم بودن زن، یائسه شدن زن، تعداد بیش‌تر زنان آماده ازدواج (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۷۶) و احتیاج جامعه به کثرت نفوس را ذکر کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۲). این در حالی است که این حکمت‌ها مجوز اباحه مشروط تعدد زوجات‌اند نه اباحه مطلق آن؛ به عبارت دیگر حکمت‌های مذکور، تعدد زوجات را در شرایطی خاص جایز می‌دانند، با اینکه حقوق‌دانان اسلامی آن‌ها به صورت عام پذیرفته‌اند یعنی فلسفه و علت حکم اخص است پس باید حکم هم تضييق و تحدید شود.

۲.۱. اباحه مشروط

عده‌ای بر آن‌اند که گرچه اصل مسأله تعدد زوجات مورد امضای اسلام قرار گرفته اما در هر شرایطی جایز نیست بلکه در ضرورت‌ها به کار گرفته می‌شود. در این راستا تفاسیر

گوناگونی از این تقیید شده است. گروهی با تأکید بر ادله برون‌دینی‌ای چون نادر بودن تحقق عدالت میان همسران، فساد بیش از مصلحت تعدد زوجات و تالی فاسدهای چندهمسری معتقدند از باب مدیریت اجتماعی این مسأله باید به حداقل برسد (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۷۷). گروه دوم معتقدند در صورتی که زن در مقام همسری ویژگی‌های خاص کفویت را داشته باشد، ازدواج مجدد مرد ممنوع است (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۷۹). گروه سوم می‌گویند چون در آیه سخن از یک امر اجتماعی است، اگر شرایط جامعه چنان باشد که چندهمسری بر خلاف عدالت نباشد جایز است (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۸۱). گروه چهارم با تأکید بر مسائل عصر نزول آیات مانند استضعاف یتیمان و مورد ظلم واقع شدن آن‌ها و... قائل‌اند: هرگاه غرض عقلایی‌ای چون شرایط جنگی خاص، توقف قیام به امور یتیمان بر تعدد زوجات و... وجود داشته باشد، تعدد مجاز می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۸). گروه پنجم معتقدند مجموعه آیات قرآن درباره ازدواج بررسی عرف عصر نزول، فلسفه اصلی ازدواج، فلسفه امضای چندهمسری و اصول حاکم بر احکام نشان می‌دهند که مطلوبیت و اصالت با تک همسری است و در موارد بسیار استثنایی و خاص که حل معضلی صرفاً مبتنی بر تعدد زوجات باشد، با احراز شرایطی حکم به اباحه می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۵: ۴۷۷-۴۷۸).

۳. حرمت مطلق

گروهی با بیان اینکه سعادت و خوشبختی زناشویی در گرو صفا، صمیمیت، گذشت، وحدت و یگانگی است و همه این‌ها در چندهمسری به خطر می‌افتد قائل به ممنوعیت مطلق تعدد زوجات‌ند. اباحه تعدد تا چهار تا نیز باید در سیاق طبیعت روابط انسانی، خصوصاً روابط زن و مرد، در جامعه قبل اسلام تفسیر شود. در این سیاق می‌بینیم که این اباحه در حقیقت تضییقی برای هرج و مرج امتلاک و ارتهان زن است و از آنجا که تعدد بی حد و حصر به تعدد چهارتایی محدود، انتقال به سوی تضییق است. پس حصر ازدواج به یک همسر، پس از ۱۵ قرن، انتقالی است طبیعی در همان مسیری که اسلام آغاز کرده بود. قائلین این دیدگاه در تبیین عقیده خویش چنین می‌گویند که اسلام ابتدا رسم چندهمسری را به چهار زنی تحدید کرده است؛ از این رو کسانی که مسلمان

می‌شدند و بیش از چهار زن داشتند طبق دستور پیامبر غیر از چهار زن بقیه را طلاق می‌دادند. پس از این مرحله آیه ۹ سوره نساء نازل می‌شود که چهار زنی را به رعایت عدالت منوط می‌کند؛ و در مرحله سوم قرآن می‌فرماید: «رعایت عدالت ممکن نیست در نتیجه تعدد جایز نیست».

نتیجه بحث

هدف اصلی اسلام در امر ازدواج، گسترش فرهنگ ازدواج سالم و تشکیل خانواده‌هایی پایدار و استوار است که باعث تعالی جامعه اسلامی می‌شود اما احکام اسلام برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها است و جامعیت آن اقتضا می‌کند احکام آن در تمام شرایط کارآمد باشد. با این حال؛ فقیه جامع‌الشرایط که ولی مسلمین است، اگر فتوا دهد به محدودیت در تعدد زوجات، عمل به آن بر خود او و مقلدانش واجب است. با تأیید نظریات فقیهان طرفدار صحت چنین شرطی، به طور کلی نظر نگارنده اعتبار شرط عدم ازدواج مجدد به نحو مقید است، یعنی چنین شرطی در قالب یک قرارداد خصوصی که مخالف صریح قانون نیز تلقی نمی‌گردد، برای دوران زوجیت نافذ است. زیرا در تحلیلی می‌توان گفت، زن اول به عنوان ذی‌نفع حق دارد با مردی ازدواج کند که یقین نماید دست کم در دوران زوجیت با ازدواج مجدد، آسایش زندگی مشترک آنان را سلب نمی‌کند و کانون خانواده را فرو نمی‌ریزد. امروزه با نگرش اجتماعی به مصالح خانواده، زن حق دارد بر اساس اصول و قواعد کلی حقوق و در قالب الزامات و تعهدات، از جمله شرط عدم ازدواج مجدد، از گزند خودخواهی‌ها و گاهی تنوع طلبی‌های زوج مصون بماند.

کتابنامه

- ابن فارس. ۲۰۰۵ق، **المقاییس فی اللغة**، بیروت- لبنان: دار الفکر.
- انصاری، مرتضی. ۱۳۷۵ش، **مکاسب**، یک جلدی، ج ۲، تبریز: اطلاعات.
- آل کاشف الغطاء، محمد حسین. ۱۳۷۶ش، **تحریر المجلة**، قم: فیروزآبادی.
- جبعی عاملی، زین الدین (شهید ثانی). ۱۴۱۶ق، **مسالك الافهام إلى تنقیح شرایع الاسلام**، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- حکیم، سید محسن. ۱۴۰۸ق، **منهاج الصالحین**، با حاشیه محمدباقر صدر، نجف: مطبعة الآداب.
- حکیم پور، محمد. ۱۳۷۸ش، **حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد**، تهران: نغمه نوآندیش.
- حلی، ابن ادریس. ۱۴۱۱ق، **السرائر**، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. ۱۳۲۴ق، **مختلف الشیعة**، بی جا: بی نا.
- خوانساری، احمد. ۱۳۶۴ش، **جامع المدارک**، ج ۴، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- خوانساری، موسی. ۱۳۸۵ش، **منیة الطالب (تقریرات میرزای نائینی)**، ج ۲، نجف: المطبعة المرتضویة.
- خویی، سیدابوالقاسم. ۱۴۱۰ق، **منهاج الصالحین**، ج ۲، قم: مدینة العلم.
- روحانی، سید محمد صادق. ۱۳۷۰ش، **فقه الصادق**، ج ۲۲، قم: بی نا.
- شب خیز، محمدرضا. ۱۳۹۲ش، **اصول فقه دانشگاهی**، چاپ چهارم، تهران: کتاب آوا.
- صالح، صبحی. ۱۹۸۲ق، **معالم الشریعة الاسلامیة**، بیروت: دار العلم للملایین.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. ۱۴۰۹ق، **عروة الوثقی**، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی حکیم، سیدمحسن. ۱۴۰۹ق، **منهاج الصالحین**، ج ۲، نجف: مطبعة الآداب.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم. ۱۳۴۲ق، **عروة الوثقی**، نجف: مطبعة الآداب.
- طوسی، ابوجعفر. النهایة، قم: قدس.
- طوسی، حسن. ۱۳۸۷ش، **المسبوط فی فقه الإمامیة**، تحقیق محمد باقر بهبودی، قم: المكتبة المرتضویة.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. ۱۳۸۳ش، **شرح تجرید**، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- علامه، سید مهدی. ۱۳۷۵ش، **شروط باطل وتأثیر آن در عقود**، بی جا: مانی.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، ج ۶، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. ۱۴۰۳ق، **شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام**، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق کرکی. ۱۴۱۱ق، **جامع المقاصد**، ج ۱۳، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۰ش، **اسلام و مقتضیات زمان**، ج ۲، تهران: صدرا.

- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸ش، **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ هشتم، تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۷ش، **ولایت فقیه**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۹ش، **صحیفه امام**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۹ش، **صحیفه نور**، ج ۲۱، قم: نشر دار العلم.
- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن. ۱۳۷۱ش، **القواعد الفقهية**، ج ۳، چ ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۳۶۳ش، **کتاب البیع**، ج ۵، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- مهریزی، مهدی. ۱۳۸۵ش، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، تهران: علمی فرهنگی.
- میرزای قمی، ابوالقاسم. ۱۳۷۱ش، **جامع الشتات**، ج ۳، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- نجفی، محمدحسن. ۱۴۱۰ق، **جواهر الکلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، ملا احمد. ۱۴۰۷ق، **عوائد الأيام**، چ ۳، قم: بصیرتی.
- نوری طبرسی، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۳، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

مقالات

- رفیعی، محمدتقی. ۱۳۸۶ش، «بررسی جامعه شناختی حقوقی تک همسری در ایرانی»، فصلنامه مطالعات زنان، سال پنجم.
- صانعی، مهدی. ۱۳۷۴ش، «زمینه‌های ثابت و متغیر در اسلام»، نشریه بصائر، سال دوم، شماره ۱۳.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. ۱۳۷۳ش، «شرط ترک ازدواج مجدد در ضمن عقد نکاح»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری.

Bibliography

- Ibn Fars. 2005, *Comparisons in Language*, Beirut - Lebanon: Dar al-Fikr.
- Ansari, Morteza 1996, *Makaseb*, volume 1, Tabriz: Ettela'at Press.
- Al-Kashif al-Ghatta ', Muhammad Hussein, 1997, *Magazine Writting*, Qom: Firooz Abadi.
- Jaba'i Ameli, Zainuddin (Shahid Thani). 1416, *the schools of understanding to refine the laws of Islam*, Qom: Islamic Knowledge Institute.

- Hakim, Seyed Mohsen 1408, Minhaj Al-Saleheen, with the margin of Mohammad Baqir Sadr, Najaf: Al-Adab Press.
- Hakim Pour, Muhammad. 1999, Women's Rights in the Struggle between Tradition and Modernity, Tehran: Naghmeh Noandish.
- Hali, Ibn Idris. 1411, Al-Sarair, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Hali, Hassan bin Yusuf bin Motahar. 1324, various Shiites
- Khansari, Ahmad, 1985, Jame Al-Madarak, vol. 4, Qom: Esmailian Press Institute.
- Khansari, Musa. 2006, Minya al-Talib (reports by Mirza Naini), vol. 2, Najaf: Mortazavi Press.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1989, Minhajat al-Saleheen,
- Rohani, Seyyed Muhammad Sadegh. 1370, Fiqh al-Sadiq.
- Shah Khiz, Mohammad Reza, 2013, Principles of University Jurisprudence, Fourth Edition, Tehran: Ava Book.
- Saleh, Sobhi. 1982, Ma'alim al-Shari'a al-Islamiyya, Beirut: Dar al-Alam for the Malays.
- Tabatabai Yazdi, Mohammad Kazem. 1988, Orwa Al-Wathqi, Beirut: Scientific Foundation.
- Tabatabai Hakim, Seyed Mohsen, 1988, Minhaj Al-Saleheen, vol. 1, Najaf: Printing House.
- Tabatabai Yazdi, Mohammad Kazem. 1963, Arwa al-Wathqi, Najaf: Press of etiquette.
- Tusi, Abu Ja'far Final, Qom: Quds.
- Tusi, Hassan, 2008, published in Imami jurisprudence, research by Mohammad Baqir Behboodi, Qom: Al-Mortazavi Library.
- Allama Hali, Hassan bin Yusuf 2004, Sharh Tajrid, Qom: Imam Sadegh Institute.
- Allameh, Seyed Mehdi 1996, void terms and its effect on contracts, Mani Press
- Majlesi, Mohammad Baqher, 1984, Sea of Lights, vol. 6, Beirut: Al-Wafa Foundation.
- Mohaqqeq Hali, Abu al-Qasim Najmuddin Ja'far ibn al-Hassan. 1983, Islamic Law in the Issues of Halal and Haram, Third Edition, Beirut: Al-Wafa Foundation.
- Fluffy researcher. 1990, Jame Al-Maqassid, vol. 13, Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
- Motahari, Morteza 2001, Islam and the requirements of time, vol. 2, Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza 1989, The system of women's rights in Islam, eighth edition, Tehran: Sadra.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah 2008, Velayat-e Faqih, Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah 2010, Sahifa Imam, vol. 20, Tehran: Imam Khomeini Publishing House.
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah 2010, Sahifa Noor, vol. 21, Qom: Dar Al-Alam Publishing.
- Mousavi Bojnourdi, Seyed Mirza Hassan. 1992, Rules of Jurisprudence, vol. 3, Qom: Ismaili Press Institute.
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah, 1984, Book of Sale, Vol. 1, Qom: Esmailian Publications.
- Mehrizi, Mehdi, 2006, Personality and Women's Rights in Islam, Tehran: Cultural Science.
- Mirza Qomi, Abu al-Qasim. 1992, Jame Al-Shattat, vol. 3, Tehran: Kayhan Publishing Organization.
- Najafi, Mohammad Hassan 1989, Jawahar al-Kalam, Beirut: Dar Ihya' Al-Tarath Al-Arabi.
- Naraq, Mullah Ahmad 1986, Ayad Al-Ayam, Qom
- Nouri Tabarsi, Mirza Hussain 1408 AH, Mustadrak al-Wasa'il, vol. 13, Beirut: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.

Articles

Rafiei, Mohammad Taqi 2007, "Sociological study of monogamy in Iran", Quarterly Journal of Women's Studies, fifth year.

Sanei, Mehdi, 1995, "Unchangeable and changeable contexts in Islam", Basair Magazine, second year, No. 13.

Mousavi Bojnord, Seyed Mohammad. 1994, "Condition of divorce from remarriage during marriage", Legal and Judicial Journal of Justice.

Quarterly Journal of Quranic Studies, Twelfth Year, No. 48, Winter 1400, pp.549-568

An Analysis on Time and Place Role in Permissibility and Impermissibility of Polygamy from the Verses and Hadiths' Viewpoint
Receiving Date: 27 May,2020 Acceptance Date: 19 September, 2020

Reza Asgari: PhD Candidate, Theology & Islamic Studies, Islamic Azad University, Khomein Branch

mahnazmosivand@gmail.com

Mahmoud Ghayoum Zadeh Khaleqi: Full Professor, Islamic Studies, Islamic Azad University, Saveh Branch

maarefteacher@yahoo.com

Abbas Ali Heidari: Assistant Professor, Jurisprudence & Law Principles, Islamic Azad University, Arak Branch

Aa_heidari@iau_arak.ac.ir

Corresponding Author: Mahmoud Ghayoum Zadeh Khaleqi

Abstract

Human economic development and fundamental changes that have taken place in the human social system, necessitate the need for changes and development to be in the correct culture balance according to the time and place. In other words; fundamental changes have taken place both in human relations with nature as well as in human social relations with each other. Polygamy is the issue which special attention has been paid to based on the conditions and circumstances Islamic law amongst all cases in the field of family laws. According to the present research in which the applied method is descriptive – analytical, with the aim of investigating the role of time and place in the permissibility and impermissibility of polygamy from the Verses and hadiths perspective, this result can be stated that: in creation religious rulings, it is necessary to consider the requirements of time and place, the expediency, corruptions and interests of the people of the society. The effect of time and place in ijtihad is in the direction of changing the subjects of the social rules of Islam, and if changes are made in the subjects of the rules as a result of circumstances and expediency, including polygamy, its rules will be forcibly changed.

Keywords: time, place, marriage, rulings, Verses.